

تبریز، شهر بدون گدا:

مطالعه جامعه‌شناختی مواجهه شهروندان با پدیده تکدی‌گری

سیدحسین سراج‌زاده،^۱ توکل آقایی هیر،^۲ نشمین خضری^۳

چکیده

مقاله حاضر با طرح این پرسش که چرا تبریز شهری بدون گداست، درصدد درک دیدگاه و کنش شهروندان تبریزی درباب پدیده تکدی‌گری و ویژگی‌ها، تعامل‌ها و پیامدهای ناشی از این پدیده است. روش تحقیق کیفی است و به‌طور خاص از نظریه زمینه‌ای براساس نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. یافته‌ها در قالب مدل زمینه‌ای نهایی متشکل از دوازده مقوله تشریح شده‌اند که عبارت‌اند از: فرهنگ کمک‌رسانی، نهادینگی فرهنگ کار، بستر مناسب اقتصادی، اهمیت شأن اجتماعی، روحیه قوم‌گرایانه، حس مسئولیت‌پذیری، ناکارآمدی سازمان‌های رسمی/حکومتی متولی پوشش‌دهی نیازمندان، نگرش منفی به گدایان، وجود نظام‌های حمایتی مردم نهاد و اعتماد مردم به آنها، کنش مقابله‌ای، رفع معضل تکدی و بهبودی محیط شهری. این دوازده مقوله حول مقوله هسته «فرهنگ مقابله‌ای» شکل گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: تکدی‌گری، شهر بدون گدا، کنش شهروندان، فرهنگ مقابله‌ای.

serajzadeh@khu.ac.ir

* دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)

t.aghayari@tabrizu.ac.ir

** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

nashmin.khezri@yahoo.com

*** کارشناس ارشد دانشگاه خوارزمی

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۲

مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۲۷-۴۷

مقدمه

تکدی‌گری از زمان‌های بسیار دور مسئله‌ای اجتماعی برای تمام جوامع بشری بوده‌است. شاید بتوان گفت از روزی که فاصله طبقاتی در جوامع به حقیقتی انکارناپذیر تبدیل شد و اصطلاحاتی نظیر "دارا" و "ندار" در ادبیات جوامع به‌وجود آمد، مسئله با عنوان تکدی‌گری و در یوزگی نیز متولد شد. بحران‌های اقتصادی و سیاسی، تغییر فناوری و وقوع حوادث طبیعی و حوادث اجتماعی، از جمله جنگ و انقلاب در عصر حاضر، افزایش بیکاری و مهاجرت روستاییان و کشاورزان به شهرها برای یافتن محلی جهت امرار معاش، به‌خصوص در کشورهای جهان سوم و در حال‌گذار، به رشد و قشر متکدی در کشورها منجر شد (منتظر قائم، ۱۳۸۶: ۱).

تکدی را می‌توان «دست‌دراز کردن» برای کسب درآمد تعریف کرد. تکدی فراگردی است که به موجب آن، فرد متکدی از دسترنج دیگران بهره‌مند می‌شود و زندگی می‌گذراند. در واقع گدا این‌گونه تعریف می‌شود: «شخصی که آشکارا و پيوسته کالا یا پول را برای استفاده شخصی به شیوه چهره به چهره از افراد ناآشنا درخواست می‌کند، بدون اینکه در قبال چیزی که دریافت می‌کند، کالا یا خدمت مصرفی با ارزش یا شناخته‌شده‌ای ارائه کند» (لانکنائو، ۱۹۹۹: ۱۸۷-۱۸۸). از دید جامعه‌شناختی، تکدی را می‌توان نوعی انحراف اجتماعی به‌شمار آورد که گاه افراد به‌صورت حرفه‌ای به آن می‌پردازند و در مواردی صورت آبرومندان‌های دارد؛ یعنی با مشاغل و امور کجروانه و غیرقانونی مثل سرقت، روسپی‌گری، و اعتیاد همراه نیست و گاهی صورت غیرآبرومندان‌ها دارد و با این مشاغل و ویژگی‌ها همراه است. به‌لحاظ قانونی هم، مطابق ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی «هرکس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار دهد و از این راه امرار معاش نماید و یا ولگردی نماید به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد» (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۶: ۱۶۷).

با وجود پیگیری‌ها و اقدامات گسترده‌ای که دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و مردمی برای مقابله با معضل تکدی صورت داده‌اند، این معضل اجتماعی ریشه‌کن نشده‌است. دلایل این ناکامی‌ها و را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

- ۱) فقدان تلقی واحد از تکدی و متکدیان و وجود اختلاف نظر میان دستگاه‌ها و سازمان‌های اجرایی؛
- ۲) پیچیدگی و گستردگی معضل تکدی‌گری؛
- ۳) حلقه بسته تکدی؛
- ۴) عدم هماهنگی بین دستگاه‌ها و سازمان‌های اجرایی؛
- ۵) فقدان اعتبارات لازم؛
- ۶) متولیان متعدد برای امر سازماندهی؛

¹ Lankenau

۷) مشکل متکدیان اتباع بیگانه؛

۸) وظیفه قائل‌نشدن مصوبه شورای عالی اداری برای دستگاه‌های اداری مؤثر در سامان‌دهی امور متکدیان؛
۹) وظایف پیش‌بینی‌شده برای شهرداری‌ها در مصوبه مزبور صرفاً در حد تأمین و تدارک مجتمع نگهداری موقت تعریف شده‌است و مدیریت این مجتمع‌ها پس از راه‌اندازی برعهده فرمانداری‌ها گذاشته شده که موجب کم‌کاری و بی‌انگیزگی آن سازمان برای پذیرفتن مسئولیت شده‌است (حاجیان‌مطلق، ۱۳۸۱: ۲۱۴-۲۱۵).

درکنار سازمان‌ها، مردم نقش زیادی در مبارزه با تکدی‌گری در کشور دارند. مردم می‌توانند با سازمان‌دادن به کمک‌های خود، نقش به‌سزایی در این حوزه ایفا کنند. این درحالی است که مطالعات نشان داد بسیاری از مردم به کمک مستقیم و بدون واسطه علاقه‌مندند. و کمک به متکدیان را مبنای اجر اخروی می‌دانند (حبیب‌پورگتابی، ۱۳۹۰: ۲۸) که این شیوه تفکر پدیده تکدی‌گری را تقویت می‌کند.

درحالی‌که مسئله تکدی‌گری و جمع‌آوری متکدیان یکی از دغدغه‌های مدیران شهری، به‌خصوص در شهرهای بزرگ، بوده‌است و همان‌طور که پیشتر اشاره شد، اکثر برنامه‌های اجراشده بی‌تأثیر بوده‌اند (ر.ک: پورگتابی، ۱۳۹۰؛ حاجیان‌مطلق، ۱۳۸۱؛ و کوچکیان‌فرد، ۱۳۸۱)، به‌نظر می‌رسد این مسئله در شهر تبریز وجود ندارد. در ورودی شهر تبریز و در جای‌جای شهر، تابلوها و بنرهایی نصب شده‌است که بدون گدا بودن شهر را اعلام می‌کنند مشاهده‌ها و گزارش‌های مسافران شهر تبریز و از جمله تجربه پژوهشگران حاکی از نبودن متکدیان در شهر است. بنابراین، مطالعه دلایل و عوامل موفقیت شهر تبریز در مهار و ازبین‌بردن این پدیده موضوع کاربردی بااهمیتی است. از آنجاکه پدیده تکدی‌گری دوسویه است، و یک‌سوی آن فرد متکدی و سوی دیگر افراد کمک‌کننده به او هستند، تا زمانی که بین دو طرف این پدیده توازن و ارتباط متقابل بین عرضه نیاز از سوی متکدی و اجابت سؤال از سوی کمک‌کننده وجود داشته باشد، این پدیده نیز وجود خواهد داشت (کوچکیان‌فرد، ۱۳۸۱: ۲۳۲) این مقاله کوشیده است با تأکید بر دیدگاه و کنش شهروندان تبریزی درخصوص پدیده تکدی‌گری و مواجهه با آن، به این پرسش پاسخ دهد که چرا شهر تبریز متکدی ندارد.

رویکرد نظری

رویکرد پژوهش حاضر تفسیرگرایی است. براساس رویکرد تفسیرگرایی، انسان موجودی خلاق، فعال و بازاندیش است و جهان اجتماعی محصول کنش‌های معنادار و آگاهانه کنشگران است؛ یعنی انسان با بیرونی‌سازی خود جهان را می‌سازد؛ به‌عبارت دقیق‌تر، جهان نهادی چیزی نیست جز فعالیت انسانی عینیت‌یافته (ریتزر، ۱۳۸۷: ۳۲۲؛ جلالی‌پور و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۵۱؛ سیدمن، ۱۳۹۰: ۱۱۲؛ محمدپور، ۱۳۹۲). از آنجاکه منبع و مرجع نهایی هرگونه ساخت‌وساز و تغییر در

واقعیت‌ها اجتماعی همان انسان است، درک انسان‌ها از واقعیت، تغییر در واقعیت‌ها و چگونگی معنادار کردن آنها بسیار مهم است و با توجه به اینکه واقعیت‌های اجتماعی، به مثابه امور برساخته انسانی، فاقد قوانین ازپیش‌تعیین‌شده‌اند و دائماً در حال "شدن" هستند، نمی‌توان الگویی جهان‌شمول و عام برای واقعیت‌های اجتماعی و نیز تغییر و دست‌کاری در آنها وضع کرد. این واقعیت‌ها، نه تنها قابل کشف و کنترل نیستند، بلکه صرفاً می‌توانند درک و تفسیر شوند (گلیزر، ۱۹۷۸؛ به نقل از بوستانی و محمدپور، ۱۳۸۸: ۸). طبق رویکرد تفسیری، منابع دانش و معرفت در تعاملات و کنش‌های متعارف و روزمره افراد نهفته است و چیزی خارج از کنش متقابل مردم معنادار نیست. بنابراین، دانش عامیانه منبع اصلی دانش و معرفت است براساس این رویکرد، دانش نه به دست تعداد خاصی از افراد یا نخبگان جامعه، بلکه به واسطه کلیه افراد جامعه تولید و بازتولید می‌شود (محمدپور و ایمان، ۱۳۸۸: ۱۹۶).

در تحقیق کیفی، محقق برای دستیابی به شناخت عمیق دیدگاه‌ها و ذهنیات سوژه‌ها درباب واقعیت اجتماعی تحت بررسی، هرچه بیشتر به سوژه‌ها نزدیک می‌شود و سعی می‌کند در جریان ارتباطی نزدیک، به جهان درونی کنشگران دست یابد. مواجهه با پدیده تکدی‌گری به مثابه واقعیت اجتماعی، محصول کنش‌های آگاهانه افراد درگیر با این پدیده است. برای درک و فهم و تبیین مواجهه با این پدیده در شهر تبریز، از شناخت و مطالعه دیدگاه‌های ذهنی کنشگران تبریزی و کنش‌های برخاسته از این دیدگاه ذهنی ناگزیر خواهیم بود. درواقع، از آنجاکه افراد کنشگرانی فعال و سازنده هستند، مواجهه با پدیده تکدی‌گری، حالت عینیت‌یافته ذهنیت و دیدگاه آنها درباره این پدیده است. به همین دلیل، لازم است تعاریف ذهنی آنها و کنش آنها در مواجهه با این پدیده درک و تفسیر شود. در این پژوهش تلاش شد نگرش، نحوه مواجهه و تعاملات شهروندان تبریزی درباب معضل تکدی‌گری درک و تفسیر شود.

پیشینه تجربی

در زمینه پدیده تکدی‌گری تحت بررسی، در کشورهای دیگر، پژوهش‌هایی انجام گرفته است که به چند مورد اشاره می‌شود:

زوینا لیپکن (۲۰۰۵) در تحقیقی با عنوان «معضلات مدرن، برخورد با گدایان نانجینگ، ۱۹۲۷-۱۹۳۷»، می‌نویسد: در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، بسیاری از مفاهیم سیاسی و اجتماعی در چین، تحت تأثیر سیاست‌های وارداتی کشورهای غربی شروع به تغییر کردند. یک نمونه آن، نگرش درباب تکدی‌گری بود. در آغاز، سیاستمداران شهرداری برای حفظ وجهه ملی و سرمایه کشور خواستند گداها را به سبک نهادهای غربی از خیابان‌ها حذف کنند. چند سال بعد، زمانی که تعداد گدایان به شدت، در نتیجه بلایای طبیعی، علاوه بر نگرانی از آینده اقتصاد ملی، زیاد شد، مقامات شروع به ترویج آموزش‌های حرفه‌ای، به منزله راه‌حل اصلی مشکل گدایی،

کردند. هدف آنها این بود که گدایان را، که موجوداتی بی‌فایده بودند، به اعضای مفید جامعه تبدیل کنند. همین‌طور روبینا اقبال (۲۰۱۳) تحقیقی با عنوان «گدایی: تهدیدی در حال رشد در هند، انجام داد. او نتیجه گرفت که ریشه این معضل بی‌عدالتی و نابرابری است. نیرویی که باعث می‌شود مردم فقیر گدایی را راهی برای امرار معاش انتخاب کنند فقر است و برای حل این معضل قانون کفایت نمی‌کند، بلکه اعتقادات مذهبی هندی‌ها باعث شده‌است که آنها به افراد فقیر کمک کنند و بین گداها غذا توزیع کنند.

کریستین پریمونوز و جاشوا دی‌پاتر (۲۰۱۳) تحقیقی با عنوان «کمک در سطح خیابان: گدایان، کمک‌کنندگان و سیاست‌های رفاهی» انجام دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که گدایی پدیده‌ای است که محققان دولت رفاه آن را نادیده گرفته‌اند. وجود گدایان در سطح خیابان نشان‌دهنده شکست دولت در فراهم‌آوردن رفاه برای شهروندانش است. آنها به بررسی اوضاعی بپردازند که تحت آن انتظار می‌رود کمک‌کنندگان در سطح خیابان به گدایان پول بدهند. در داخل هم تحقیقات زیادی درباره علل و عوامل مؤثر بر تکدی‌گری در شهرها و کلان‌شهرهای مختلف کشور صورت گرفته‌است که از جمله آنها می‌توان به تحقیق‌های ساخوانی (۱۳۷۷)، عماری و زارع (۱۳۸۵)، بیات (۱۳۸۶)، حاجیان مطلق (۱۳۸۷)، کلهر (۱۳۸۸)، ادهمی (۱۳۸۹)، اسماعیلی (۱۳۹۰)، غلامی شکر تو (۱۳۹۱)، شکوری و معتمدی (۱۳۹۱)، جعفری آذردابانلو (۱۳۹۲) و ... اشاره کرد. تقریباً در همه تحقیقات انجام‌گرفته عواملی همچون بیکاری، اعتیاد، بزهکاری مفروط، فقر اقتصادی، مهاجرت، ضعف ارزش‌های دینی و فرهنگی، خانواده نابه‌سامان، معلولیت جسمانی، تحصیلات اندک، ضعف قوانین، تورم و تشدید شکاف طبقاتی، تنبلی و تن‌پروری، سست‌شدن پایه‌های ارزشی و اخلاقی جامعه، فقدان نگرش منفی به تکدی‌گری در جامعه و رواج فرهنگ صدقه و... به‌منزله علل تکدی‌گری، هدف اشاره قرار گرفته‌است. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد هنوز این پدیده در بسیاری از شهرها و کلان‌شهرها وجود دارد که یا اقداماتی برای از بین بردن آن صورت نگرفته یا اگر هم صورت گرفته، چندان موفقیت‌آمیز نبوده‌است. می‌توان گفت تمرکز اکثر تحقیقات بر شهرهایی بوده که درگیر این پدیده هستند و هیچ‌گونه مطالعه‌ای درباره شهرهایی که توانسته‌اند این معضل را ساماندهی و به‌شیوه‌هایی کنترل کنند صورت نگرفته‌است. تحقیق حاضر بر آن است تا شهر تبریز را مطالعه کند که یکی از معدود شهرهایی است که توانسته این مسئله اجتماعی را حل کند و از این حیث از تحقیقات پیشین متمایز است.

روش‌شناسی

۱) روش تحقیق

برطبق مبانی پارادایم تفسیرگرایی، آدمی کنشگری فعال است و بر مبنای تعریفی که از پدیده‌ای خاص دارد با آن برخورد و کنش خود را تنظیم می‌کند.

از آنجاکه در این تحقیق، نظرگاه یا تعاریف ذهنی مردم تبریز درباره تکدی‌گری و شخص متکدی بررسی می‌شود و کنش آنها که تحت تأثیر همان تعاریف ذهنی بررسی می‌شود، بهترین روش نظریه زمینه‌ای است.

نظریه زمینه‌ای مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده‌است که در جریان پژوهش به صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده‌اند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۷: ۳۴). ساخت نظریه مبتنی بر داده‌ها، به معنای آن است که اکثر فرضیه‌ها و مفاهیم، نه تنها از داده‌ها استخراج می‌شوند، بلکه در جریان تحقیق به طور نظام‌مند در ارتباط با داده‌ها قرار می‌گیرند. این مفاهیم و فرضیه‌ها صرفاً در فرآیند تحقیق آزموده نمی‌شوند، بلکه باید در ارتباط با داده‌ها و در فرآیندی مشتمل بر آزمون و خطا طرح شوند. از این رو، ساخت نظریه زمینه‌ای فرآیندی در حال شدن، دورانی و مارپیچی است نه خطی (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۱۴).

۲) میدان پژوهش، شیوه نمونه‌گیری و حجم نمونه

میدان مطالعه تمامی شهروندان شهر تبریز است. شهر تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی، و در شمال غرب ایران واقع شده‌است. این شهر در گستره منطقه آذربایجان، موقعیت چهارراهی دارد. شهر تبریز، به جز در سمت غربی، کاملاً در میان سلسله کوه‌های مرتفع منطقه محصور شده و به صورت مثلث‌گونه در امتداد شرقی و غربی شکل گرفته‌است. به این ترتیب، شهر در بستر ملایم دره تلخه‌رود از تمامی جهات، به جز غرب، به شیب‌های تند کوه‌های پیرامون محدود می‌شود (محمدزاده، ۱۳۸۶: ۱۰۰ به نقل از زالی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۷).

این شهر بزرگ‌ترین شهر منطقه شمال غرب کشور و قطب اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و نظامی این منطقه شناخته می‌شود. براساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران، که در سال ۱۳۹۰ صورت گرفته، شهر تبریز با جمعیتی بالغ بر ۱/۴۹۴/۹۹۸ نفر چهارمین شهر پرجمعیت ایران، پس از تهران، مشهد و اصفهان، محسوب می‌شود. این شهر دومین شهر آلوده و نیز دومین شهر صنعتی کشور پس از تهران به شمار می‌رود و به دلیل صنعتی بودن، یکی از مهم‌ترین شهرهای مهاجرپذیر ایران محسوب می‌شود (سایت شهرداری تبریز).

در باب شیوه نمونه‌گیری در روش نظریه زمینه‌ای، از دو نوع نمونه‌گیری به طور هم‌زمان استفاده می‌شود. این دو نوع نمونه‌گیری عبارت‌اند از: نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد برای مصاحبه از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های لازم و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود (گلیسر و اشتراوس، ۱۹۶۷؛ جانسون، ۱۹۸۹؛ به نقل از محمدپور، ۱۳۹۲: ۸۹). با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند،

¹ Grounded theory

تبریز، شهر بدون گدا: مطالعه جامعه‌شناختی مواجهه شهروندان با پدیده تکدی‌گری

محقق کیفی با افرادی گفت‌وگو می‌کند که در زمینه موضوع تحت مطالعه یا جنبه‌هایی از آن دارای اطلاعات و شناخت مناسب و نسبتاً کافی باشند. این افراد را اصطلاحاً مطلع یا دروازه‌بان می‌خوانند (میرپام، ۱۹۹۸؛ نیومن، ۲۰۰۰؛ به نقل از محمدپور، ۱۳۹۲: ۹۱).

در این روش، حجم نمونه به اشباع نظری پرسش‌ها بستگی دارد. یعنی مصاحبه تا جایی ادامه می‌یابد که هیچ ایده یا داده جدیدی به دست نیاید و داده‌ها تکراری شوند. از دو نوع نمونه‌گیری نیز به‌طور هم‌زمان استفاده می‌شود. این دو نوع نمونه‌گیری عبارت‌اند از: نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری.

در باب نحوه انتخاب افراد، باید گفت از آنجاکه افراد مصاحبه‌شونده باید از بین شهروندان تبریزی انتخاب شدند که درکی از مسئله تحقیق داشتند، با افرادی مصاحبه شد که قرار گرفتند شامل ۱۱ مرد و ۹ زن بودند که در بازه سنی ۲۰ سال به بالا قرار داشتند و تقریباً از اکثر مناطق تبریز و در همه صنایع شغلی انتخاب بودند. با هر کدام از آنها مصاحبه عمیق انجام شد که به‌طور متوسط مدت‌زمان هر کدام از این مصاحبه‌ها ۴۵ دقیقه بود.

جدول ۱. مشخصات زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان (شهروندان تبریزی)

شماره	سن	جنس	شغل
۱	۲۷	زن	آزاد (لوازم‌التحریر فروش)
۲	۶۰	مرد	سرایدار شهرداری مرکزی
۳	۶۲	زن	خانه‌دار
۴	۲۵	مرد	آزاد (کت‌وشلوار فروش)
۵	۴۱	زن	آزاد (فروشنده وسایل تزئینی)
۶	۵۴	مرد	آزاد (راننده تاکسی)
۷	۲۶	مرد	آزاد (کافی نت)
۸	۳۸	مرد	آزاد (سوپرمارکت)
۹	۳۴	زن	خانه‌دار
۱۰	۴۷	مرد	آزاد (سوپرمارکت)
۱۱	۳۸	زن	خانه‌دار
۱۲	۲۵	زن	دانشجوی کارشناسی‌ارشد
۱۳	۳۷	مرد	عضو هیئت‌علمی دانشگاه
۱۴	۳۵	مرد	آزاد (فست فود)
۱۵	۳۰	مرد	معلم
۱۶	۲۶	زن	مدرس زبان انگلیسی
۱۷	۵۱	مرد	عضو هیئت‌علمی دانشگاه
۱۸	۳۱	زن	خانه‌دار
۱۹	۲۱	زن	دانشجوی کارشناسی
۲۰	۴۸	مرد	آزاد (میوه‌فروش)

گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات

در مطالعه حاضر، از روش مصاحبه عمیق و مشاهده آزاد برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. برای تجربه و تحلیل داده‌ها، براساس روش نظریه زمینه‌ای، از سه مرحله رمزگذاری استفاده شد که عبارت‌اند از: رمزگذاری باز، رمزگذاری محوری و کدگذاری گزینشی.

رمزگذاری باز در دو مرحله رمزبندی اولیه یا همان مفهوم‌بندی داده‌ها و رمزگذاری متمرکز یا استخراج مقولات عمده براساس مفاهیم مشابه یا متداخل صورت گرفت. مرحله دوم رمزگذاری محوری بود. براساس مقایسه مقولات ساخته‌شده، مقولات به تفکیک شرایطی بودن، تعاملی یا فرآیندی بودن، و پیامدی بودن مرتب و سازمان‌دهی شدند و ارتباطی منطقی بین آنها برقرار شد. بعد شرایطی مبین آن دسته از شرایط، موقعیت‌ها و زمینه‌هایی است که به ظهور پدیده تحت مطالعه منتهی شده است. بعد تعاملی - فرآیندی نشان‌دهنده آن دسته از تعامل‌ها و کنش‌هایی است که کنشگران در قبال آن زمینه‌ها از خود نشان داده‌اند. بعد پیامدی نیز پیامدها و نتایج این تعامل‌ها را شامل می‌شود و تحت تأثیر ویژگی‌های خاص مربوط به آن است (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۴۰). در مرحله آخر، رمزگذاری گزینشی انجام و مقوله هسته انتخاب شد. در این مرحله، که مرحله شکل‌گیری نظریه است، یکایک مقولات در قالب مدل زمینه‌ای به صورت منظم و منطقی به تصویر کشیده شدند. این مدل زمینه‌های ایجاد پدیده، تعاملات برخاسته از آن و پیامدهای ناشی از آن را به نمایش می‌گذارد.

یافته‌ها

همان‌طور که گفته شد، مردم یکی از عواملی هستند که به صورت تنگاتنگ با معضل تکدی‌گری ارتباط دارند. زمانی که کمک‌کنندگان به گدا، که همان مردم هستند، به گدا کمکی نکنند، گدایان تا حدودی از هدف خود دور می‌شوند؛ چراکه تا زمانی که دهنده‌ای نباشد، گیرنده‌ای هم به وجود نخواهد آمد. در این زمینه، کمک‌کنندگان نقش بسیار زیادی دارند؛ به این شکل که در صورت کمک مردم به گدایان، حتی اگر نهادها و دستگاه‌های مسئول برای مقابله با این مشکل تمام توان خود را صرف کنند، باز هم قادر به رفع معضل نخواهند بود و این از اهمیت نقش مردم در رفع معضلات اجتماعی نشان دارد.

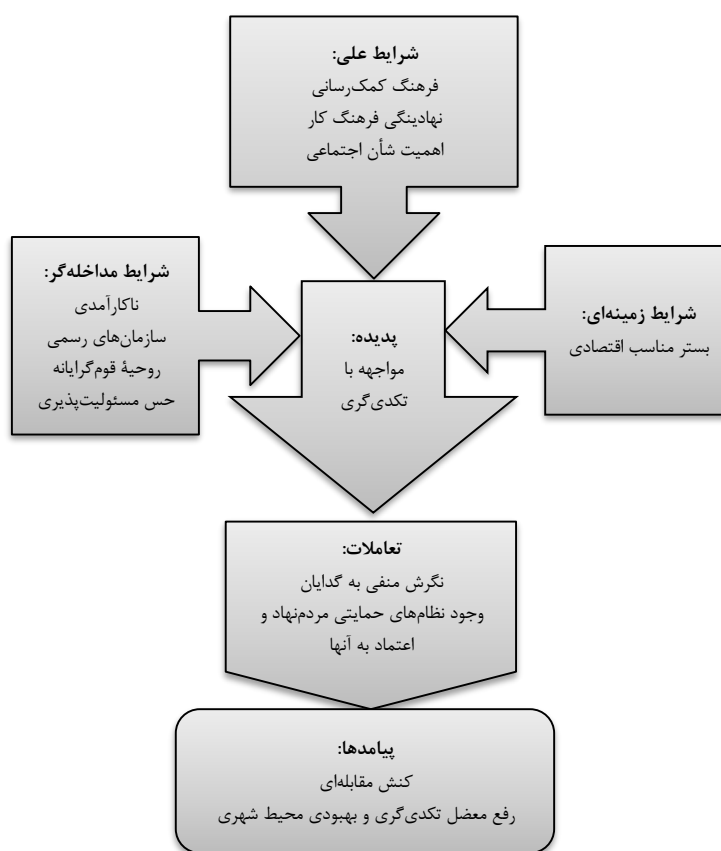
براساس مصاحبه‌های انجام‌گرفته با شهروندان تبریزی، در مرحله رمزگذاری باز ۵۳ مفهوم و در مرحله رمزگذاری محوری ۱۲ مقوله اصلی استخراج شدند که به تفکیک مقولات شرایطی، تعاملی و پیامدی، عبارت‌اند از:

تبریز، شهر بدون گدا: مطالعه جامعه‌شناختی مواجهه شهروندان با پدیده تکدی‌گری

مقولات شرایطی: فرهنگ یاری‌رسانی، نهادینگی فرهنگ کار، بستر مناسب اقتصادی، اهمیت شأن اجتماعی، روحیه قوم‌گرایانه، حس مسئولیت‌پذیری، و ناکارآمدی سازمان‌های رسمی/حکومتی متولی پوشش‌دهی نیازمندان.

مقولات تعاملی: نگرش منفی به گدایان، وجود نظام‌های حمایتی مردم‌نهاد و اعتماد به آنها.

مقولات پیامدی: بینش و کنش مقابله‌ای، رفع معضل تکدی‌گری و بهبودی محیط شهری.



شکل ۱. مدل زمینه‌ای مواجهه شهروندان با پدیده تکدی‌گری به‌مثابه فرهنگ مقابله‌ای

این مقولات اصلی در مرحله رمزگذاری گزینشی به استخراج یک مقوله هسته منتهی شد. مقوله هسته و نهایی این پژوهش «فرهنگ مقابله‌ای» است که در ادامه، به‌اختصار هر یک از مقولات به‌همراه مقوله هسته با استناد به متن مصاحبه‌ها تشریح می‌شود.

۱) مقولات شرایطی

فرهنگ کمک‌رسانی

براساس این مقوله، مردم تبریز اظهار می‌کنند که نوعی همکاری و هم‌یاری در بین آنها وجود دارد. به طوری که همه در مقابل هم احساس مسئولیت دارند و در مواقعی که مشکلی گریبان یکی از تبریزیان را می‌گیرد، دیگران از او حمایت می‌کنند. این فرهنگ نوعی پشت‌گرمی است؛ چراکه باعث می‌شود افراد به این یقین برسند که در هنگام بروز مشکلات، افراد اجتماع حمایت می‌کنند. این نوعی سلاح فرهنگی در مقابله با تکدی‌گری است که بدون نیاز به اقدام عملی و آگاهانه برای مواجهه با تکدی‌گری، به صورت خودبه‌خودی، از این معضل جلوگیری می‌کند. مسعود، ۲۵ ساله، در این باره می‌گوید:

مردم تبریز تعصب خاصی دارند، این‌طور نیست که اگر یکی مشکلی داشته باشد یا برای کسی مشکلی پیش بیاید، بقیه بگویند به ما ربطی ندارد. همه احساس مسئولیت می‌کنند و مشکل دیگران را مشکل خودشان می‌دانند و همه با هم بدون اینکه چشم‌داشتی داشته باشند، سعی می‌کنند مشکل را حل کنند. الان در کوچه ما یه دختری هست که با پدر و مادرش زندگی می‌کند و پدر و مادرش هر دو معلول‌اند و او هم کسی را ندارد که به‌اش کمک کند، با کمک همسایه‌ها سرپا مانده، حتی خرج تحصیلش را هم تا حدودی می‌دهند.

نهادینگی فرهنگ کار

کار در بین مردم تبریز جایگاه والایی دارد؛ به طوری که تمام مردم را موج کار فرا گرفته و همه به طریقی که بتوانند خود را به کاری مشغول و کسب درآمد می‌کنند. از نظر آنها، اینکه چه کاری انجام دهی مهم نیست، بلکه مهم این است که بتوان آبرومندانه درآمد کسب کرد و زندگی را چرخاند. البته، هرکسی که وارد شهر تبریز می‌شود، با نگاهی اجمالی می‌تواند دریابد که شهر در جوش و خروش است و به معنای واقعی زندگی و کار و تلاش جریان دارد؛ به طوری که از بزرگ و کوچک هرکسی به کاری اشتغال دارد. صمد، ۴۸ ساله، در این باره می‌گوید:

مردم اینجا خیلی روحیه کاری دارند و کلاً آذری‌زبان‌ها اهل کار و تلاش هستند و به سخت‌کوشی معروف‌اند...

ناهید، ۲۵ ساله، اهمیت کار را به زیبایی بی‌نظیری بیان کرده است:

وقتی گدایی جوان باشد، خوب می‌گویم برو کار کن، تو که می‌توانی خرج خودت را دربیآوری، چرا گدایی می‌کنی. وقتی هم پیر باشد، می‌گویم تو تا حالا نتوانستی

تبریز، شهر بدون گدا: مطالعه جامعه‌شناختی مواجهه شهروندان با پدیده تکدی‌گری

چیزی برای خودت جمع کنی که توی این سن به این وضع افتادی!!؟؟ من خودم یکی را می‌شناسم یک پا ندارد اما می‌رود کلوجه می‌گیرد و می‌آید و اینجا می‌فروشد و خرج خودش را درمی‌آورد؛ خوب او با آن وضع می‌تواند کار بکند پس بقیه هم می‌توانند چیزی بیاورند و بفروشند و خرجشان را در بیاورند.

همان‌طور که از گفته‌ها برمی‌آید، مردم تبریز کسب درآمد از طریق کار را آبرومندانه می‌دانند و معتقدند باعث حفظ غرور و شخصیت انسان می‌شود. در این راه، مهم نیست دکتر یا کارگر باشی، بلکه کسب درآمد آبرومندانه مهم است؛ چون شخص با افتخار می‌تواند در اجتماع خود حضور پیدا کند و از طرف آنها به رسمیت شناخته شود. همین باعث می‌شود کسانی که کار نمی‌کنند در نظر آنها چندان وجهه خوبی نداشته باشند و طرد شوند. از آنجاکه گدایان، بدون اشتغال به کاری و تنها از راه درخواست کمک از دیگران امرار معاش می‌کنند، طبیعی است که در نظر چنین مردمی منفور باشند.

بستر مناسب اقتصادی

چرخه اقتصادی در شهر تبریز بسیار فعال است. این شهر تقریباً یکی از قطب‌های صنعتی کشور است و به همین دلیل، مشکل اشتغال در این شهر نسبت به دیگر شهرهای دیگر کمتر است. بسیاری از تبریزی‌ها نیز در گفته‌هایشان به این موضوع اشاره کردند و این عامل را یکی از عوامل رونق شهر دانستند. شهر تبریز خود یک کلان‌شهر است و بنابر موقعیت استراتژیکی که دارد، توانسته راه را بر رونق بازار تاجران و کاسبان تبریز هموار کند. به‌علاوه، صنایع این شهر تقریباً تمام مصارف صنعتی غرب کشور را پوشش می‌دهد؛ پس، طبیعی به‌نظر می‌رسد، اگر فرصت اشتغال و کار در این شهر بسیار بیشتر از مناطق و شهرهای دیگر باشد و این نیز امتیاز دیگری به‌نفع مردمان این شهر است که این امکان را در اختیار آنها می‌گذارد تا راحت‌تر به اشتغال دست یابند و نیازهای مادی خود را برطرف کنند. این موقعیت در تبریز در کنار فرهنگ و روحیه کاری مردمان شهر، مکمل یکدیگر است و راه تکدی‌گری را سد می‌کند؛ چراکه بذری تمایل به تلاش و کار در خود مردم به صورت بالقوه وجود دارد و کثرت فرصت‌های شغلی اشتغال افراد را امکان‌پذیر می‌کند.^۱

^۱ این امر براساس آمارهای رسمی نیز تأیید قرار می‌شود؛ به‌طوری‌که براساس آمارگیری از نیروی کار در بهار ۱۳۹۴، میزان مشارکت اقتصادی استان آذربایجان شرقی ۴۰/۲ درصد و میزان بیکاری ۷/۷ درصد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴). همچنین میزان بیکاری در این استان از میزان بیکاری کل کشور (۱۰/۸) کمتر و میزان مشارکت اقتصادی از میزان مشارکت اقتصادی کل کشور (۳۸) بیشتر است. در قیاس با دیگر استان‌های کشور نیز در بین همه استان‌ها، میزان بیکاری استان‌های تهران (۷/۴)، همدان (۶/۷)، کرمان (۵/۹) از استان آذربایجان شرقی کمتر است و در عوض، میزان مشارکت اقتصادی این استان از استان‌های نام‌برده بیشتر است.

وحید، ۳۷ ساله، می‌گوید:

... شهر تبریز موقعیت استراتژیک دارد و یک شهر صنعت است و لذا اوضاع اقتصادی و اشتغال نسبت به دیگر جاهای دیگر بهتر است. حداقل بازار کار در اینجا مناسب‌تر است و جوان‌ها راحت‌تر می‌توانند به کاری مشغول شوند.

اهمیت شأن اجتماعی

همان‌طور که از عنوان این مقوله برمی‌آید، می‌توان گفت مردم تبریز به وجهه‌شان اهمیت بسیاری می‌دهند؛ به‌طوری‌که بسیاری از مردم دوست ندارند در نظر دیگران نالایق جلوه کنند به همین دلیل، تمامی تلاش خود را به کار می‌گیرند.

رضا، ۳۰ ساله، در این باره می‌گوید:

از لحاظ روان‌شناختی مردم تبریز، مردمی هستند که با سیلی صورت خودشان را سرخ نگه می‌دارند و حاضرند هستن از گرسنگی بمیرند ولی دستشان دراز نکنند.

می‌توان اضافه کرد که به‌دلیل همین خصلت و اهمیت‌دادن به شأن اجتماعی، بسیاری از تبری‌ها اعتقاد دارند نیازمندان واقعی افرادی آبرومند هستند و با وجود گرفتاری حاضر نیستند گدایی کنند؛ چراکه گدایی عار و ننگ است و جلوه‌ مناسبی در نظر مردم شهر ندارد. بسیاری از آنها، به دلیل اعتقاد به آبرومندی نیازمند واقعی، به گداها کمک نمی‌کنند؛ چراکه به نظر آنها، کسی که برای تأمین معاش خود در قالب گدا طلب کمک می‌کند آبرومند نیست. این دیدگاه باعث می‌شود افراد بومی به گدایی دست نزنند و افراد مهاجر غیربومی هم، اگر اقدام به گدایی کنند، کسی به آنها کمک نمی‌کند.

گفته‌های پریچهر، ۶۲ ساله، مؤید برداشت مزبور است:

من تا حدودی تشخیص می‌دهم کی مستحق واقعی است. مستحق واقعی دستش را دراز نمی‌کند، بلکه یک دردی دارد که نمی‌خواهد مردم بفهمند و خبردار شوند و اسه همین دستش را دراز نمی‌کند و من معمولاً به این آدم‌ها کمک می‌کنم. این آدم‌ها شخصیت و غرور خودشان را حفظ می‌کنند.

روحیه قوم‌گرایانه

مقوله دیگری که از مصاحبه‌ها استنتاج می‌شود، این است که تبری‌ها از روحیه قوم‌گرایانه بالایی نیز برخوردارند، به‌طوری‌که به‌سختی می‌توان درون آنها نفوذ کرد و اعتماد آنها را جلب کرد. آنها به‌سختی به غیرترک‌ها اعتماد می‌کنند؛ بنابراین، کسی که از خارج از تبریز و از قومیتی دیگر وارد این شهر می‌شود، از او استقبال نمی‌شود. از آنجاکه انسان موجودی اجتماعی است، اگر از طرف افراد جامعه او را نپذیرند چندان دوامی در آن جامعه نخواهد داشت و ناچار به ترک

تبریز، شهر بدون گدا: مطالعه جامعه‌شناختی مواجهه شهروندان با پدیده تکدی‌گری

محیط می‌شود. تبریز شهر یک‌دستی است؛ به طوری که همه به زبان ترکی تکلم می‌کنند و تقریباً همه آذری‌زبان هستند و به همین دلیل از وحدت فرهنگی برخوردارند. این هم تا حدودی به دلیل روحیه قوم‌گرایانه تبریزیان است. بنابراین، اگر گدایی از خارج از تبریز وارد این شهر شود از طرف مردم پذیرفته نمی‌شود.

صمد، ۴۸ ساله، در این باره می‌گوید:

مردم تبریز کلاً غریب‌نواز نیستند و حتی افغان‌ها و کسانی که از جاهای دیگر وارد شهر می‌شوند، چندان مورد توجه مردم قرار نمی‌گیرند. مردم تبریز مردم یک‌دست و واحدی هستند و هر غریبه‌ای که بیاید، باید ویژگی فرهنگی بگیرد تا بتواند در شهر از طرف مردم مورد قبول قرار بگیرد و او را بپذیرند.

حس مسئولیت‌پذیری

بسیاری از شهروندان تبریزی اظهار کنند که باید در مقابل شهر و آبروی شهر مسئول بود و احساس مسئولیت داشت؛ چرا که این ما هستیم که در این فضا زندگی می‌کنیم و اگر این فضا و محیط آلوده باشد بر زندگی ما و فرزندان ما نیز تأثیر مخرب خواهد گذاشت. همین احساس مسئولیت شهروندان، شهر را از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در امان نگاه می‌دارد و از طرف دیگر، باعث شکوفایی و رونق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... شهر می‌شود.

زهره، ۲۶ ساله، می‌گوید:

باید تلاش کنیم مردم شهرنشین را به شهروند تبدیل کنیم. تا زمانی که مردم شهرنشین هستند کاری نمی‌شود کرد، اما شهروند نسبت به مسائل شهر و جامعه حساس است و راحت از کنارش نمی‌گذرد و تلاش می‌کند مشکلات حل شود. الان در شهر تبریز تقریباً همه در قبال مسائل شهر خودشان را مسئول می‌دانند و تلاش کنن تا جایی که از دستشان برمی‌آید مسائل را حل و فصل کنند.

بسیاری از شهروندان تبریزی، به دلیل حس مسئولیت در قبال مسائل شهر خود، در صورت مشاهده متکدیان در هر نقطه شهر، سعی در مقابله با آنها دارند و با نهادها نیز همکاری لازم را به عمل می‌آورند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

وقتی توی شهر گدا باشد آدم احساس امنیت ندارد، شهر هم آلوده و کثیف به نظر می‌رسد، و خوب ماهایی که اینجا زندگی می‌کنیم وظیفه داریم این مشکل را حل کنیم. من یک بار یک گدایی را زیر پل آبرسان دیدم که داشت از چندتا خانم پول می‌گرفت. فوراً به مؤسسه مستمندان زنگ زدم. چند دقیقه بعد مأمورانشان با ماشین آمدند و سوارش کردند و بردندش.

ناکارآمدی سازمان‌های رسمی/حکومتی متولی پوشش‌دهی نیازمندان

چنان‌که از گفته‌های مردم تبریز برمی‌آید، سازمان‌های رسمی/حکومتی متولی پوشش‌دهی نیازمندان در این شهر چندان موفق عمل نکرده‌اند و نتوانسته‌اند اعتماد مردم را جلب کنند؛ به طوری که ارزیابی مردم از اقدامات این نهادها رضایتمندانه نیست. آیدین، ۲۵ ساله، در این باره می‌گوید:

من اصلاً هیچ اعتمادی به کمیته امداد و بهزیستی ندارم و تا حالا هم پولی توی صندوق‌هاشان نریختم، چون اصلاً کار مفیدی تا حالا انجام ندادند.

مینا، ۴۱ ساله، نیز می‌گوید:

توی جشن نیکوکاری که مردم کمک‌های مادی و غیرمادی می‌کردند، من از یکی از فامیلاهایمان که خودش کمیته امداد کار می‌کند شنیدم که می‌گفت آنهایی که کمیته امداد کار می‌کردند، وسائلی را که خوب بودند برای خودشان برمی‌داشتند و آنها را که چندان خوب نبود می‌دادند به افرادی که تحت پوشش بودند.

با توجه به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، مردم این شهر اعتماد چندان به کمیته امداد ندارند و همکاری‌های زیادی با مسئولان آن ندارند. از آنجاکه این نهاد وظیفه پوشش‌دهی نیازمندان را برعهده دارد - که می‌توانند متکدیانی بالقوه در جهت رفع نیازهای خود باشند - بی‌اعتمادی مردم و در نتیجه همکاری نکردن آنها با این نهاد، باعث می‌شود وظایف آنها خوب انجام شود. مردم به نهادها و سازمان‌هایی مثل کمیته امداد اعتماد ندارند، اما همان‌طور که بعداً مطرح خواهد شد، سازمان‌ها و خیریه‌های مردم‌نهاد مورد وثوق مردم هستند و کمک‌های مردم برای مقابله با تکدی-گری و رفع حاجت نیازمندان از طریق سازمان‌های خیریه مردمی فعال به خوبی انجام می‌شود.

۲) مقولات تعاملی

نگرش منفی به گدایان

با توجه به آنچه درباره خصلت‌ها، نگرش‌ها و روحیه مردم تبریز گفته شد، می‌توان احتمال داد که دیدگاهشان درباره گدایی مثبت نیست و چنین عملی را نمی‌پذیرند. برطبق گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، گداها افرادی تن‌پرورند که به کار علاقه‌ای ندارند و می‌خواهند از راهی آسان و بدون زحمت اسباب آسایش خود را فراهم کنند. این مردم نفرت زیادی از گدایان دارند و اعتقاد دارند که گدایان از عواطف مردم سوءاستفاده می‌کنند؛ بنابراین، نمی‌توان به گدایان اعتماد کرد. حسینی، ۵۱ ساله، در این باره می‌گوید:

گدا بیشتر برحسب عادت گدایی می‌کند و سعی می‌کند با فراهم کردن جو احساسی، از عواطف و اعتقادات مذهبی مردم سوءاستفاده کند.

تبریز، شهر بدون گدا: مطالعه جامعه‌شناختی مواجهه شهروندان با پدیده تکدی‌گری

به‌گفته یک شهروند تبریزی دیگر:

گداها اکثراً دروغگو هستند. من اصلاً باورشان نمی‌کنم، چون بیشتر شغلشان است تا اینکه نیازمند باشند. درواقع؛ گدایی برایشان منبع درآمد است، و از این راه پول درمی‌آورند.

قیاسی، ۴۷ ساله، می‌گوید:

گدا تنبل است، کسی است که دوست دارد یک‌شبه پولدار شود، بدون اینکه سختی بکشد. راحت‌طلب است و کسی است که دوست ندارد کار کند و می‌خواهد از راه آسان خرج دربیآورد.

وجود نظام‌های حمایتی مردم‌نهاد و اعتماد مردم به آنها

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان از مؤسسه‌های بسیاری، همچون مؤسسه حمایت از مستمندان، مؤسسه خیریه نوبر و...، در شهر تبریز گفتند که اقدامات بسیاری در جهت پوشش‌دهی نیازمندان و جلب و سامان‌دهی متکدیان انجام داده و می‌دهند و از طرفی هم از سابقه زیادی در شهر تبریز برخوردارند؛ به‌طوری‌که بنا به‌گفته مصاحبه‌شوندگان، سابقه آنها به قبل از انقلاب سال ۱۳۵۷ می‌رسد. این مؤسسه‌ها مردم‌نهاد هستند و به دست گروهی از بازاریان و تجار و کسبه تبریزی ایجاد شده‌اند و فعالیت می‌کنند. تقریباً، تمام مصاحبه‌شوندگان با نحوه کار و خود این مؤسسات تا حدودی آشنایی دارند.

در استان آذربایجان شرقی، در سال‌های اخیر، حدود ۳۰۰ سازمان غیردولتی به ثبت رسیده‌است که ۸۰ درصد آنها به شهر تبریز تعلق دارد (حاجی‌خیاط، ۱۳۸۵؛ به‌نقل از جباری، ۱۳۸۷: ۱۲۳). مؤسسه خیریه نوبر از باسابقه‌ترین و قدیمی‌ترین خیریه‌های شهر محسوب می‌شود که در سال ۱۳۲۶ شمسی در تبریز تأسیس شده و در سال ۱۳۳۱ به ثبت رسیده‌است. این خیریه با بیش از نیم‌قرن سابقه فعالیت در حوزه حمایت‌های اجتماعی، در حوزه شهرستان تبریز فعال بوده‌است. مؤسسه حمایت از مستمندان تبریز خیریه دیگری است که با نزدیک به چهل سال سابقه در عرصه حمایت‌های اجتماعی داوطلبانه و خیرخواهانه فعالیت می‌کند. این خیریه در اصل برای تحقق دو هدف، (۱) جلوگیری از تکدی‌گری و (۲) حمایت آبرومندان به دور از تکدی‌گری از خانوارهای نیازمند در سطح شهر تبریز، به فعالیت می‌پردازد. خیریه مذکور ماهیت هیئت‌امنائی دارد و به دست هیئت‌مدیره منتخب اداره می‌شود و خدمات خود را به افراد و خانوارهای مستحق (که شرط استحقاق آنها را کمیته تحقیق مشخص می‌کند) به دو شیوه مستمر و موردی ارائه می‌کند (جباری، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

می‌توان گفت وجود چنین مؤسساتی سهم بسیار زیادی در مواجهه با تکدی‌گری و متکدیان در تبریز دارد و یکی از عوامل بسیار مهم در رفع این معضل اجتماعی است؛ زیرا مردم براین‌باورند

که نیازمندان واقعی از جانب این مؤسسات حمایت می‌شوند و در نتیجه، دلیلی برای گدایی کردن وجود ندارد.

صنم، ۳۸ ساله، در این باره بیان می‌کند:

اینجا مؤسسات خیریه زیادی هست، اگر بخواهم قدیمی‌هایش را بگویم، مؤسسه مستمندان و خیریه نوبر است که از قبل از انقلاب فعالیت می‌کنند. کسانی که آنجا کار می‌کنند می‌روند راجع به افراد نیازمند تحقیق می‌کنند و اگر واقعاً نیاز داشته باشد برایش مستمری تعیین می‌کنند و ماهانه به‌اش کمک می‌کنند. من تبلیغاتشان را توی تلویزیون دیدم و جاهای مختلف شهر هم اطلاعیه زده‌اند که به افراد نیازمند و گداها مستقیماً کمک نکنید و در صورت برخورد با این افراد با این شماره تماس بگیرید. البته، صندوق‌های مؤسسه هم توی سطح شهر هستند و آدرس و شماره پیامک هم رویش هست.

علاوه بر مؤسسات مردم‌نهاد، فعالیت‌های مردمی دیگری برای شناسایی و حمایت از فقرا و آبرومند انجام می‌شود که عمدتاً از طریق مساجد و اماکن مذهبی است. همه این کارها نقش زیادی در پوشش‌دهی نیازمندان و مرتفع کردن نیازهای آنان دارد و از معضلات و مسائل زیادی که به واسطه فقر و نداری به وجود می‌آید جلوگیری می‌کند که یکی از آنها هم معضل تکدی‌گری است. مسعود، ۲۶ ساله، در این باره می‌گوید:

اینجا مؤسسات خیریه زیاد فعالیت دارند که کاملاً مردمی هستند؛ مخصوصاً اکثر مساجد خودشان برای افراد بی‌بضاعت پول جمع می‌کنند. من شخصاً از طریق خواهرم، که خیلی در این امور فعال است، کمک می‌کنم؛ چون او بهتر این افراد را می‌شناسد. زنان هم خیلی در این امور فعال‌اند و افراد بی‌بضاعت را شناسایی می‌کنند و برایشان پول جمع می‌کنند.

۳) مقولات پیامدی

کنش مقابله‌ای

براساس مقوله نگرش منفی به گدایان، می‌توان گفت مردم تبریز کنشی مقابله‌ای در مقابل گدایان دارند و با آنها برخورد می‌کنند. براساس آنچه در مصاحبه‌های از زبان خود تبریزیان گفته شده است، اکثر آنها به گداها کمک نمی‌کنند؛ چراکه بر این عقیده‌اند که کمک مستقیم چاره‌ساز نیست و باعث می‌شود آنها به این کار خو بگیرند و تعدادشان در شهر بیشتر شود. از آنجاکه تبریز آراسته به نام "شهر بدون گدا" است، بسیاری از مردم برای حفظ این عنوان، خود با گدایان برخورد

تبریز، شهر بدون گدا: مطالعه جامعه‌شناختی مواجهه شهروندان با پدیده تکدی‌گری

و در این زمینه اقدام می‌کنند. از طرفی، بسیاری از آنها، به دلیل اینکه به گدایان اعتماد ندارند، اگر کمکی هم بکنند، براساس شناختی است که شخصاً از شخص نیازمند دارند. سعید، ۲۵ ساله، می‌گوید:

ضرب‌المثلی هست که می‌گویند عوض اینکه به کسی ماهی بدهی، ماهی‌گیری یادش بده. کمک مستقیم اصلاً درست نیست، فقط وضع را بدتر می‌کند. من خیلی جاها دیدم که طرف نیازمند بوده، عوض اینکه مستقیم به او کمک کنند، جایی کاری به او داده‌اند تا انجام دهد و دستمزد کارش را بگیرد. این‌طوری بهتر است. این‌طوری بهتر است. هم کاری یاد می‌گیرد، هم درآمد دارد.

رفع معضل تکدی‌گری و بهبود محیط شهری

شهروندانی که تحت مصاحبه قرار گرفتند، در لابه‌لای گفته‌هایشان به نبودن گدا در تبریز اشاره کردند. بسیاری از آنها بر این باورند که تبریز گدای بومی ندارد و گداهایی که گاه در تبریز به چشم می‌خورند از مناطق دیگر وارد تبریز شده‌اند. آنها هم بعد از خبرسانی مردم به مؤسسه‌های مرتبط معرفی و به وسیله گشت‌های آنها، که سه‌بار در طول روز فعالیت دارند، از سطح شهر جمع می‌شوند. بنابراین، به ندرت در سطح شهر گدا به چشم می‌خورد. از طرفی، هم نبودن گدا در تبریز باعث بهتر شدن فضای شهر و آراستگی چهره شهر شده و زیبایی بیشتری در مقایسه با دیگر شهرها به آن بخشیده است.

علی، ۵۴ ساله، می‌گوید:

خود تبریز گدا ندارد، چون گدایی اینجا ننگ است و همه همدیگر را می‌شناسند. خود مؤسسات خیریه و مردم هم هوای همدیگر را دارند و اسه همین، گدا خیلی خیلی کم است و آنهایی هم که هستند، مال اینجا نیستند و ناشناس‌اند که زیاد هم اینجا دوام نمی‌آورند و مجبور می‌شوند بروند. اینجا نسبت به شهرهایی که خودم رفتم خیلی خوب است، وقتی گدا باشه آدم احساس راحتی ندارد و شهر هم کثیف می‌شود، اما خدا را شکر، اینجا از این چیزها نداریم و امنیتش هم بیستراست.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مقولات اصلی‌ای که از مصاحبه‌ها استخراج شد و توضیحات ارائه‌شده، مقوله فرهنگ مقابله‌ای به‌منزله مقوله هسته و محور انتخاب شده است. رفتار مردم تبریز در مواجهه با تکدی‌گری را می‌توان با مفهوم فرهنگ مقابله‌ای درک و تفسیر کرد. درون ساختار فرهنگی شهر تبریز، عناصری وجود دارد که در برابر معضلاتی همچون تکدی‌گری موضع مقابله‌ای دارد و بالقوه چنین عملی را برنمی‌تابد. شهروندان تبریزی، با کنش‌ها و تعاملات خود، این ساختار

فرهنگی را بازتولید می‌کنند و بنابراین، واکنش آنان به پدیده تکدی‌گری، که همراه با نپذیرفتن و چاره‌جویی برای آن است، مداوم و ماندگار است.

این فرهنگ مقابله‌ای دو بعد مثبت و منفی دارد. همان‌طور که در تشریح و تفسیر مقولات گفته شد، نگرش مردم تبریز در باب متکدیان منفی بوده است و هیچ شأن و جایگاهی برای آنها قائل نیستند و براساس همین دیدگاه منفی با گدایان برخورد تندی دارند و آنها را از نظر اجتماع طرد می‌کنند؛ اما، این فرهنگ بعد مثبتی نیز دارد و آن تلاش عمومی مردم و نهادهای مردمی برای حل مسئله تکدی‌گری است. ساختارهای فرهنگی و اجتماعی غالب در این شهر به‌صورتی است که از گداپرووری جلوگیری می‌کند؛ زیرا کار، و کسب درآمد از راه‌های آبرومند، برای مردم این شهر بسیار بااهمیت است. موقعیت اقتصادی شهر نیز، که فرصت‌های شغلی زیادی فراهم کرده‌است و اهمیتی که مردم برای جایگاه اجتماعی‌شان قائل‌اند، تا حدی از روی آوردن افراد به گدایی جلوگیری می‌کند. فرهنگ کمک و دیگریاری‌ای که در بین مردم وجود دارد نیز، به دو صورت، نقش پررنگی در این امر دارد: اول اینکه، مردم از یکدیگر حمایت کرده و برای رفع مشکلات هم تلاش می‌کنند؛ دوم اینکه، خود همین فرهنگ به‌صورت نهادی درآمدده و باعث شده مؤسسه‌های خیریه مردم‌نهاد بسیاری همچون مؤسسه حمایت از مستمندان، مؤسسه خیریه نوبر و...، در شهر ایجاد شود که بسیار فعال‌اند و توانسته‌اند اعتماد مردم را جلب کنند و از کمک گسترده آنان، برای حمایت از نیازمندان و برنامه‌هایی که برای ریشه‌کن کردن و کنترل تکدی‌گری در تبریز دارند، برخوردار شوند. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت اگر فقرا و نیازمندی را که ممکن است به تکدی‌گری روی آورند به دو دسته بومی و غیر بومی تقسیم کنیم، نگرش منفی، روحیه قوم‌گرایانه و بینش و کنش مقابله‌ای مردم باعث طرد گدایان غیربومی می‌شود و راه آنان را سد می‌کند؛ در مقابل، عناصر فرهنگی، همچون روحیه کار، اهمیت شأن اجتماعی، فرهنگ کمک و بسیاری دیگر از مواردی که به آنها پرداخته شد، از پرورش گدایان بومی جلوگیری می‌کند و به‌این ترتیب، فرهنگ مقابله‌ای حاکم بر تبریز عاملی است که باعث رفع معضل تکدی‌گری در شهر شده‌است. به‌عبارت کلی‌تر، مواجهه با تکدی‌گری، به‌مثابه فرهنگ یک‌پارچه مقابله‌ای، در میان مردم تبریز از مجموعه ویژگی‌هایی متأثر است: فرهنگ کمک‌رسانی، نهادینگی فرهنگ کار، حس مسئولیت‌پذیری، روحیه قوم‌گرایانه، اهمیت شأن اجتماعی، بستر مناسب اقتصادی، ناکارآمدی سازمان‌های رسمی / حکومتی متولی حمایت از نیازمندان، که هرکدام به‌تفصیل توضیح داده شدند. این ویژگی‌ها باعث شده است که مردم تبریز واکنش‌های خاصی در مواجهه با مسئله تکدی‌گری داشته باشند: گدایان از وجهه خوبی در بین مردم تبریز برخوردار نیستند و نگرشی نسبت به آنها در بین مردم وجود دارد. همچنین می‌توان به اعتماد مردم به مؤسسات مردم‌نهاد و دستگاه‌های حمایتی دیگری که در تبریز وجود دارد اشاره کرد.

تبریز، شهر بدون گدا: مطالعه جامعه‌شناختی مواجهه شهروندان با پدیده تکدی‌گری

این واکنش‌ها و ویژگی‌ها در شهر تبریز پیامدهایی نیز به همراه داشته‌است که عبارت‌اند از: کنش مقابله‌ای و رفع معضل تکدی و بهبودی محیط شهری. مهم‌ترین موضوع در این الگوی تبیینی و فرایندی، که با مفهوم فرهنگ مقابله‌ای بیان شد، مؤید دیدگاهی است که در تحقیقات پیشین به‌مثابه یکی از عوامل مهم ناکامی طرح‌های مقابله با تکدی‌گری مطرح شده بود. این عامل، فقدان تلقی واحد از تکدی و متکدیان در بین مردم (حاجیان‌مطلق، ۱۳۸۱) و ناهماهنگی سویی مردمی و سویی مدیریتی و علاقه‌مندی بخشی از مردم به کمک مستقیم و بدون واسطه به متکدیان است (حبیب‌پور، ۱۳۹۱؛ ادهمی، ۱۳۸۹؛ ساروخانی، ۱۳۷۷) که می‌تواند برنامه‌های مدیران شهری برای مقابله با تکدی‌گری را کم‌تأثیر یا بی‌اثر کند.

نحوه مواجهه مردم تبریز با پدیده تکدی‌گری و موفقیت آنان در از میان بردن آن، می‌تواند الگویی برای دیگر شهرهای کشور باشد. از مطالعه موردی شهر تبریز می‌توان نتیجه گرفت که در دیگر شهرهای کشور، که با مسئله اجتماعی تکدی‌گری روبه‌رو هستند، با ایجاد و تقویت عوامل زمینه‌ای و مقولات تعاملی مطرح‌شده در این مطالعه، پدیده تکدی‌گری کنترل می‌شود. در این- میان، به‌نظر می‌رسد فرهنگ کار و نگرش منفی به گدایی، وضعیت اقتصادی پرونق و پویا، وجود سازمان‌های مردم‌نهاد حمایت از نیازمندان و اعتماد مردم به آنها، و اشاعه این دیدگاه که خیر جمعی در حمایت نیازمندان از طریق سازمان‌های مسئول مردمی و دولتی است و نه کمک مستقیم به متکدیان، نقش مهمی دارند. این عوامل باید در کانون توجه مدیران و برنامه‌ریزان شهری قرار گیرند.

منابع

- ادهمی، جمال (۱۳۸۹) بررسی وضعیت متکدیان شهر تهران و ارائه راهکارهای سازمان‌دهی آنها، تهران: طرح پژوهشی، به سفارش دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران.
- اسماعیلی، علیرضا (۱۳۹۰) «بررسی نقش عوامل اجتماعی بر تکدی‌گری شهر گنبد کاووس»، *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال سوم، شماره ۸: ۲۳-۴۴.
- اشتراوس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۷) *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آفریدون، بهزاد (۱۳۹۱) ماهیت و عوامل مؤثر در جرایم تکدی و کلاشی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۰) *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- بوستانی، داریوش و احمد محمدپور (۱۳۸۸) «بازسازی معنایی جهت‌گیری جنسیتی پسران نسبت به دختران (ارائه یک نظریه زمینه‌ای)»، *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، دوره یازدهم، شماره ۴۴: ۱۴۲-۱۷۲.

بیات، بهرام (۱۳۸۶) فراتحلیل آسیب‌های اجتماعی، تهران، طرح پژوهشی معاونت اجتماعی ناجا. جباری، حبیب (۱۳۸۷) مشارکت و فقر: تحلیل جامعه‌شناختی نقش مشارکت اجتماع‌مدار بر امکان خروج از فقر در شهر تبریز، رساله دکتری دانشگاه تهران. جعفری آذربانلو، رفیقه (۱۳۹۲) عوامل مؤثر بر تکدی‌گری در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی-ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

جلایی‌پور، حمیدرضا و جمال محمدی (۱۳۹۲) نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، تهران: نی. حاجیان‌مطلق، محمود (۱۳۸۱) «تأملی بر پدیده تکدی و ریشه‌های آن در ایران»، در: مجموعه مقالات اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران: آگه. حاجیان‌مطلق، محمود (۱۳۸۷) بررسی وضعیت متکدیان کشور در بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۷۹، طرح پژوهشی وزارت کشور.

حبیب‌پور گتایی، کرم (۱۳۹۰) ارزیابی عملکرد سازمان‌های مسئول سامان‌دهی متکدیان، فصلنامه دانش ارزیابی، سال سوم، شماره ۱۰: ۳-۳۳.

ریتزر، جورج (۱۳۸۷) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی. زالی، نادر، مهدی علیلو و سیدرضا آزاده (۱۳۹۳) «تحلیلی بر توان جمعیت‌پذیری کلان‌شهر تبریز با تأکید بر الگوهای نوین توسعه شهری»، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال پنجم، شماره ۱۹: ۷۳-۹۰.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۷) در یوزگان: پژوهشی در شناخت تکدی در شهر تهران، تهران: کلمه.

سایت شهرداری تبریز، <http://tabriz.ir/?PageID=50> ۱۳۹۴ / ۴ / ۲۷

سیدمن، استیون (۱۳۹۰) کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی. شکوری، علی و حمید معتمدی (۱۳۹۱) «مطالعه علل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر پدیده تکدی‌گری (مطالعه موردی شهر مشهد)، مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، سال اول، شماره ۳: ۳۹-۷۰.

عماری، حسن و زهرا زارع (۱۳۸۵) کلان‌شهر تهران و تکدی‌گری، طرح پژوهشی دفتر مطالعات فرهنگی-اجتماعی شهرداری تهران.

غلامی شکر تو، غلامرضا (۱۳۹۱) علل تکدی‌گری اطفال و نوجوانان پسر و راهبردهای پیشگیری از آن در شهرستان گرگان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه پیام‌نور، تهران.

فلیک، اووه (۱۳۹۲) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.

کلهر، سمیرا (۱۳۸۸) فراتحلیل آسیب‌های اجتماعی (تکدی‌گری) سال ۱۳۸۶-۱۳۷۷، طرح پژوهشی، به سفارش دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران.

تبریز، شهر بدون گدا: مطالعه جامعه‌شناختی مواجهه شهروندان با پدیده تکدی‌گری

کوچکیان‌فرد، حسین (۱۳۸۱) «مفهوم تکدی و اقدامات دولت و سازمان‌های غیردولتی در برخورد با آن»، در: مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران: آگه. محمدپور، احمد (۱۳۹۲ الف) تجربه نوسازی: مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه‌ای، تهران: جامعه‌شناسان.

محمدپور، احمد (۱۳۹۲ ب) روش تحقیق کیفی، ضد روش ۱، تهران: جامعه‌شناسان.

محمدپور، احمد (۱۳۹۲ ج) روش تحقیق کیفی، ضد روش ۲، تهران: جامعه‌شناسان.

محمدپور، احمد و محمدتقی ایمان (۱۳۸۸) «بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامان تخت کردستان ایران: ارائه یک نظریه زمینه‌ای»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸: ۱۹۱-۲۱۳.

محمدزاده، رحمت (۱۳۸۶) «بررسی اثرات زیست محیطی توسعه فیزیکی شتابان شهرها با تاکید بر شهرهای تهران و تبریز»، فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال ۵، شماره ۹: ۹۳-۱۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۹۴) چکیده نتایج طرح آمارگیری از نیروی کار، تهران: دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران.

منتظر قائم، مهدی (۱۳۸۶) تکدی‌گری در ایران، مجموعه تحلیل‌های آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران: سلمان.

ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۶) قانون مجازات اسلامی (حدود، قصاص، دیات و تعزیرات)، تهران: خورشید.

Glaser, B. (1978) *Theoretical Sensitivity*, Mill Valley, CA, USA: Sociology Press.

Glaser, B. & Anselm Strauss (1967) *Discovery of Grounded Theory*, U.S. Publisher: Transaction Publishers.

Iqbal, R. (2013) 'Begging: A Growing Menace in India', *International Journal of Advanced Research in Management & Social Science*, 2 (8): 37-62.

Jonson, J. (1989) *Selecting Ethnographic Informants*, London: Sage Publication.

Lankenau, S. E. (1999) 'Panhandling Repertoires & Routines for Overcoming the Nonperson Treatment', *Deviant Behavior*, 20 (2): 183-206.

Lipkin, Z. (2005) Modern Dilemmas: Dealing with Nanjing's Beggars, 1927-1973, *Journal of Urban History*, 31 (5): 583-609.

Merriam, S. (1998) *Qualitative Research and Case Study: Applications in Education*, San Francisco: Jossey- Bass Publication.

Neuman, L (2000) *Social Research Approaches*, Third Edition. London: Allyn & Bacon.

Perez, M. C., & Potter, D. J. (2013) Street- Level Charity: Beggars, Donors & Welfare Policies, *Journal of Theoretical politics*, 26 (1): 158-174.

